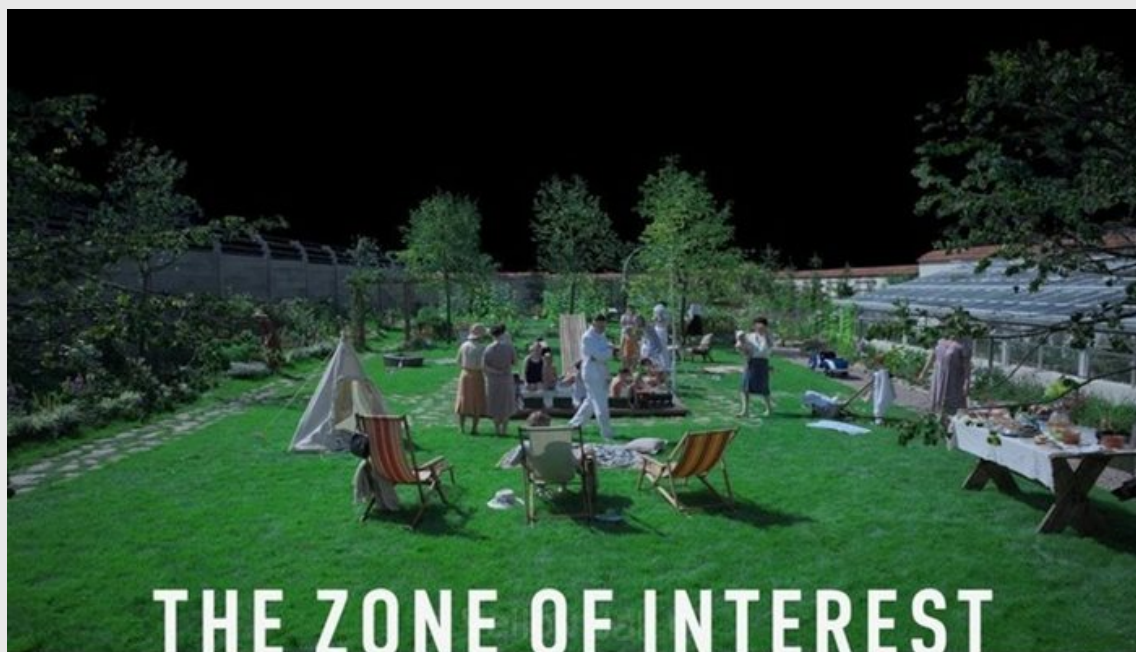


نگاهی به فیلم منطقه دلخواه، برنده جایزه بهترین فیلم بین المللی اسکار
2024



تاریخ واقعی پشت منطقه دلخواه و رودولف هوس



فیلم برنده اسکار جانان گلیرز، منطقه دلخواه، یک فیلم هولوکاستی است که شبیه هیچ کدام از فیلم های قبلی در این حوزه نیست. هر سکانس از این فیلم حس ناامیدی را در شما برمی انگیزد، و داستانی را روایت می کند که بسیار غم انگیز است. فیلم جدید جانان گلیرز از فرمانده آشویتس و خانواده اش به عنوان نمادی برای بررسی ظرفیت شر در انسان استفاده می کند. برای یک خانواده های آلمانی، زندگی در اروپای مرکزی حتی زمانی که جنگ جهانی دوم در اطراف آنها بیداد می کرد، به ظاهر ایده آل بود. رودولف هوس، پدر مستبد خانواده در زندگی نامه خود می نویسد: «هر آرزویی که همسر یا فرزندانم داشتند بلافاصله برآورده می شد. باغ همسرم بهشت گل ها بود. پنج فرزندم در ویلای ما در نزدیکی شهر کراکوف لهستان با لاکپشت ها، گربه ها و مارمولک ها بازی می کردند. در تابستان، بچه ها در استخری در حیاط خانه یا در رودخانه ای نزدیک شنا می کردند».

این صحنه های صلیب آمیز خانگی واقعیتی تاریک را پنهان می کرد. رودولف افسر نازی بود که مسئول آشویتس بود. اردوگاه کار اجباری و کشتار که در آن نازی ها بیش از یک میلیون نفر را کشتند که بیشتر آنها یهودیان اروپایی بودند. رودولف مسئول مستقیم این قتل ها بود که به عنوان طولانی ترین فرمانده اردوگاه بر آن نظارت داشت. در این مقاله [یلووال مدیا](#) به بررسی داستان این فیلم و تاریخ واقعی پشت این ماجرا پرداخته ایم. با ما همراه باشید.

داستانی برای نشان دادن ظرفیت شر

منطقه دلخواه، فیلم جدید به نویسندگی و کارگردانی جانان گلیرز، زندگی روزمره خانواده هوس را به تصویر می کشد و به ندرت به خارج از مرزهای ویلا می پردازد تا فجایی که در همسایگی رخ می دهد را تصدیق کند. این فیلمساز مشهور بریتانیایی با تأکید بر امور پیش پا افتاده امیدوار بود که رودولف (با بازی کریستین فریدل) و همسرش هدویگ (ساندرا هولر) را به عنوان انسان های عادی معرفی کند. گلیرز به نیویورک تایمز می گوید: «می خواستم این ایده را که آن انسان ها ماوراء طبیعی بودند از بین ببرم. این تصور که آنها غیر عادی بودند، ولی خدا را شکر که ما اینگونه نیستیم و آن جنایت ها دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. من می خواستم نشان دهم که این جنایات توسط آقا و خانم اسمیت در خانه شماره 26 انجام شده اند».

برخلاف «فهرست شیندلر»، «پیانیست» و دیگر فیلم های اصلی سینمای هولوکاست، «منطقه مورد علاقه» هرگز شکنجه ها و مرگ هایی که به دست نازی ها رقم خورد را به صراحت به تصویر نمی کشد. در عوض، فیلم بر قدرت تلقین تکیه می کند و از طریق تصاویر کوتاه دودکش های کوره سوزی و موسیقی متن محیطی که با شلیک گلوله و فریاد مشخص می شود، به قتل عام اشاره می کند.

گلیرز به گاردین می گوید: «داستان بیشتر در مورد ماهیت انسان است تا نازی ها. در واقع در مورد ظرفیت خشونت و شری است که همه ما داریم، چیزی در ما که همه چیز را در جهان پیش می برد. برای من، این فیلمی درباره گذشته نیست. فیلم تلاش می کند در مورد اکنون باشد. درباره ما و شباهت ما به عاملان آن جنایت ها باشد، نه شباهت ما به قربانیان». همانطور که بسیاری از منتقدان اشاره کرده اند، فیلم بر «ابتذال شر» تأکید می کند، پدیده ای که فیلسوف هانا آرنست در جریان محاکمه آدولف آیشمن، معمار هولوکاست توصیف کرده است.

منطقه دلخواه چه رویدادهایی را نمایش می دهد؟



این فیلم به شدت از منبع اصلی خود، رمانی به همین نام از مارتین آمیس در سال ۲۰۱۴ منحرف شده است. در این کتاب، یک افسر نازی عاشق همسر فرمانده آشویتس می‌شود که بسیار شبیه رودولف است، اما نامش را نمی‌گوید. گلیرز برای برداشت خود از داستان، مثلث عشق را از بین برد و ارتباط شخصیت‌ها را به شخصیت‌های واقعی نزدیک ساخت. کارگردان برای غرق کردن بینندگان در روال‌های خانوادگی و ایجاد محیطی شبیه به وضعیت مراقبت مخفی نازی‌ها، صحنه‌های داخلی را با دوربین‌های مخفی فیلم‌برداری کرده است.

درگیری اصلی فیلم، اعتراض هدویگ به ارتقای شغلی همسرش است که او را به برلین منتقل و آن‌ها را از خانه محبوبش در خارج از اردوگاه دور می‌کند. به درخواست همسرش، رودولف مافوقش را متقاعد می‌کند تا به بقیه اعضای خانواده اجازه دهد تا زمانی که او نقل مکان کند، آنجا بمانند. هوس‌ها زمانی به هم می‌پیوندند که رودولف مسئول یک کار بزرگ می‌شود: تبعید و قتل بیش از 400000 یهودی مجارستانی در بازه زمانی کمتر از دو ماه در سال 1944.

رودولف هوس که بود؟

رودولف در سال 1900 از پدر و مادری کاتولیک در آلمان متولد شد. او اولین بار در سال 1922 صحبت های آدولف هیتلر را شنید و مدت کوتاهی پس از آن به حزب نازی پیوست. بین سال های 1934 و 1940، رودولف در اردوگاه های کار اجباری داخائو و زاکسنهاوزن کار می کرد که در آن زمان عمدتاً زندانیان سیاسی را در خود جای داده بودند. او مافوق خود را چنان تحت تأثیر قرار داد که او را به فرماندهی آشویتس تازه تأسیس منصوب کردند. او اردوگاه را به مرکز اصلی کشتار نازی ها تبدیل کرد و اتاق گاز به عنوان کارآمدترین روش کشتار مورد تایید قرار گرفت. همانطور که او بعداً گفت، اتاق گاز به تیراندازی ارجحیت داشت زیرا دومی بار بسیار سنگینی را بر دوش مردان اس که مجبور به انجام آن بودند قرار می داد، به خصوص به دلیل زنان و کودکانی که در میان قربانیان وجود داشتند.

بعد از جنگ جهانی دوم چه اتفاقی برای رودولف و خانواده اش افتاد؟



در اواخر جنگ، خانواده هوس در شمال آلمان مخفی شدند، به این امید که بتوانند به آمریکای جنوبی فرار کنند، جایی که بسیاری از نازی ها پس از پایان درگیری به دنبال پناهندگی بودند. هدویگ و بچه ها در بالای یک کارخانه قند قدیمی در دهکده ساحلی سنت مایکلیسدون مستقر شدند، در حالی که رودولف به فلنزیبورگ نقل مکان کرد و در مزرعه ای تحت نام مستعار فرانکس لانگ مشغول به کار شد.

یک سال طول کشید تا بریتانیایی ها به فرمانده سابق برسند. در مارس 1946، سربازان بریتانیایی به خانه هدویگ رسیدند. بریژیت، دختر رودولف بعدها تعریف کرد: «برادر بزرگترم کلاوس را با مادرم بردند. او توسط انگلیسی ها به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. مادرم مدای جیغ او از

شدت درد از اتاق کناری شنید. درست مثل هر مادری، او می‌خواست از پسرش محافظت کند، بنابراین به آنها گفت پدرم کجاست».

مردی که مسئول جستجو بود، هانس الکساندر، یهودی آلمانی بود که در دهه 1930 از برلین گریخت و به بریتانیا رفت. وقتی هانس به در خانه رودولف آمد، او هویت خود را انکار کرد. اما حلقه ازدواج او خلاف این را ثابت کرد زیرا نام‌های «رودولف» و «هدویگ» بر روی آن حک شده بود.

پایان زندگی رودولف هوس

پس از دستگیری، رودولف در دادگاه نورنبرگ شهادت داد و گزارش های مفصلی از ماشین کشتار نازی ها و نقش خود در قتل های آشویتس ارائه کرد. او اولین نازی ارشد بود که به چنین جنایاتی اعتراف کرد و مسئولیت اعمال خود را بر عهده گرفت در حالی که بسیاری از فرماندهان از اعتراف به هر گونه تخلف خودداری کردند. او به لهستان منتقل و به جرم قتل محاکمه و به اعدام با دار زدن محکوم شد. در حالی که در انتظار اعدام بود، زندگی نامه خود را نوشت و خود را به عنوان «دنده ای در چرخ ماشین کشتار بزرگ ایجاد شده توسط رایش سوم» توصیف کرد. در 16 آوریل 1947، رودولف در آشویتس، محل جنایات خود، در مقابل جمعیتی که شامل زندانیان سابق اردوگاه بود به دار آویخته شد.

منبع: وبسایت smithsonianmag

نویسنده: نوشین تقیلی